



نشریه فرهنگی
اجتماعی سیاسی
شماره ۵۸
خرداد ماه ۱۴۰۰

انقلاب انطباق

ویرایشگاه
انتخابات





نشریه فرهنگی اجتماعی سیاسی
شماره ۵۸ / خرداد ماه ۱۴۰۰



صاحب امتیاز :
بسپج دانشجویی دانشگاه اصفهان

مدیر مسئول : زهرا رامک

سردبیر: محمدحسین باقری

طراحی و صفحه آرایی : نازنین قاسمی

هیئت تحریریه :
خانم ها رامک، جعفری پور ، عبدالله بیگی ،
اسلامی و کریمی

نشانی :
دانشگاه اصفهان، طبقه فوقانی مصلی الغدير،
واحد خواهران بسپج دانشجویی دانشگاه اصفهان

آدرس الکترونیکی

Info@uisb.ir

شبکه های مجازی

@Uisb_ir



این نشریه با حمایت مادی و
معنوی اداره کل امور فرهنگی
دانشگاه اصفهان منتشر می شود

فهرست مطالب

۲

سرمقاله

۴

چهل و دو سالگی درخت انقلاب

۶

عقالتون رو قاضی کنید

۸

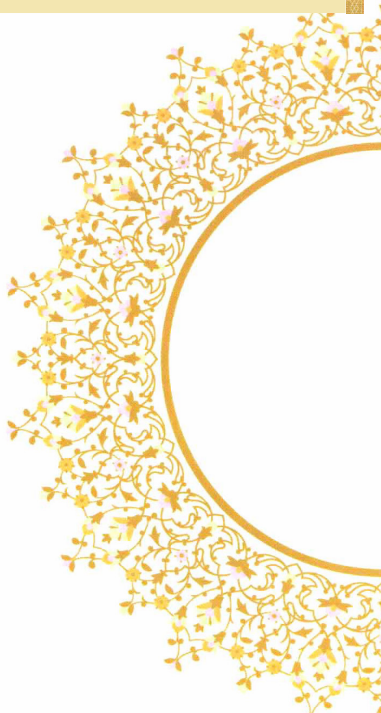
آدرس غلط

۱۲

نامزد شایسته کیست؟

۱۴

جوانه دولت حزب اللهی





لطفاً آزاد اندیش باشید

سرمقاله

ما در خلأ زندگی نمی کنیم؛ بلکه در میان یکسری از واقعیت ها به سر می بریم.

گاهی چشمان را به روی وقایع می بندیم، گاهی هم چشمان را به روی وقایع می بندند؛ اما چیزی که اهمیت دارد این است که خود صاحب افکار مان باشیم. در صورت آزاد بودن اندیشه و فکر، کسی نمی تواند تسلط بر افکار دیگری پیدا کند.

رسانه ها در آزاد اندیشی یا نفی آن نقش مهمی ایفا می کنند. گاهی رسانه ها این باور را القا می کنند که ما در تصمیمات کلان کشور نقشی نداریم و در بازه ی دیگر همین رسانه ها با فریاد آزادی اندیشه و عمل، گوش جهان را کر می کنند.

در یک نظام جمهوری آنچه که حائز اهمیت است آرا مردمی است؛ اما ما به اشتباه آرا

مردمی را تنها در انتخابات دخیل می دانیم. آرا مردمی اول در انتخاب مسئولین و بعد در مطالبه گری از مسئولین و نظارت بر عملکرد آنها موثر است. متأسفانه عده ای این را در ذهن ها القا می کنند که مطالبه کردن تنها از طریق اغتشاش میسر است اما اینگونه نیست. اگر در نمونه دانشگاهی به فعالیت تشکل های دانشجویی نگاه کنید می بینید که دانشجویان در آگاه کردن جامعه از خطرات و موانع و در گام بعدی در مطالبه گری نقش پررنگی دارند. دانشجو موذن جامعه است؛ اگر خواب بماند نماز امت قضا می شود.

پس با توجه به وظیفه ای که در قبال جامعه داریم باید نگاه و دید درستی نسبت به مسائل جامعه داشته باشیم.

همان طور که اشاره شد آنچه که در کشور اهمیت دارد آرا مردمی است. به دلیل نزدیک شدن به انتخابات شورای شهرها و انتخابات ریاست جمهوری جای دارد که به یکسری نکات اشاره کرد.

به این بیندیشید که چرا باید در انتخابات حضور یابید؟

یکی از شعارهای اساسی جمهوری اسلامی در بدو تولد آزادی و استقلال بود. هر کشور برای جلوگیری از ورود کشورهای دیگر در تصمیم گیری های کلانش باید استقلال در سایر عرصه ها را دارا باشد.

آزادی در نفی همه تعلقات است جز تعلقی به حقیقت

و اما آزادی

به افرادی که گرد غرض ورزی بر خاطرشان
نشسته است.

به هر کدامیک از ما جدای از جنسیت و حتی دین و
مذهبمان اجازه شرکت در تصمیم گیری برای آینده
کشور را داده اند. باید توجه کنیم کسانی که شرکت
نکردن در انتخابات را القا می کنند در واقع دارند ما
را از این حق قانونی مان محروم می کنند و آزادی
ما در دادن رای به نامزدی که هم فکر و هم نظر او
در اداره کشور هستیم را از ما سلب می کنند.

اینکه هر کدام از ما به عنوان قشر دانشگاهی
از وظایف افراد مسئول در جایگاه های کلان
مدیریت آگاه نباشیم عذر موجهی برای نسبت
دادن اشتباهات هر مسئول به دیگری نیست.
واقع بین باشیم؛ قانون اساسی و تقسیم وظایف
براساس آن موجود است.

پس تصمیم بگیرید که در انتخاب مسئولین جامعه
آزاد باشید!

لطفا موذن جامعه باشید تا افراد نا آگاه با
آگاهی یافتن از واقعیت ها درست بیندیشند،
آزاد بیندیشند و بازیچه دست جریانات ضد
انقلاب نشوند.

به دستاوردهای انقلاب توجه داشته باشید و
اطلاعات و اخبار را نه از رسانه های سیاه نمای
بیگانه، که از رسانه های متعهد دریافت کنید. به
این توجه کنید که مسائل کشور در چه زمینه هایی
دارای اولویت است و براساس اولویت ها به برنامه
های نامزدها رای دهید نه به اشخاص. بدانید که آرا
سالهای گذشته به برنامه ها و تفکرات نامزدها داده
شده است و این سالیایی که گذشت همان آینده ای
بود که مردم برای ساخته شدنش رای دادند.

بدانید که اگر شما رای ندهید بالاخره نامزدی
برای سمت مربوط انتخاب می شود اما با این
تفاوت که دیگر نظر شما در آن هیچ جایگاهی
نداشته است؛ لطفا آزاده باشید!

نویسنده: زهرا رامک

هرکجا مشکلی وجود دارد اجازه ندهید رسانه ها با
سیاه نمایی این را به شما القا کنند که این مشکلات
برای سالهای بعد از انقلاب است. تاریخ شاهد است و
برای شنیدن شهادت تاریخ تنها کافی است به کتاب
ها و اسناد و افراد مطلع امانت دار مراجعه کنید نه





چهل و دو سالگی درخت انقلاب



کوشه‌ای از دستاوردها و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی

دستاوردهای سیاسی

- ۱- کسب استقلال و آزادی سیاسی در زمره‌ی مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب در حوزه سیاست داخلی است
- ۲- حاکمیت اصل نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی؛
- ۳- تاثیر جدی بر نظریه‌های سیاسی بین‌المللی؛
- ۴- تاثیر بر مسایل و موضوعات راهبردی جهان و منطقه.

دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی

- ۱- ارتقای نسبی سطح آگاهی‌های عمومی و روحیه‌ی تحقیق
- ۲- مبارزه با بی‌سوادی، که با موفقیت بی‌سابقه‌ای همراه بوده است.
- ۳- تأمین امنیت اجتماعی و قضایی و برقراری حقوق مساوی برای مردم.
- ۴- ایجاد روحیه وحدت و برادری.

دستاوردهای اقتصادی

- ۱- پیشرفت‌های صنعت نفت پس از انقلاب
- ۲- تولید پنج فراورده‌ی اصلی پالایشگاه‌ها ۴/۲ برابر شد.

هرچه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی فاصله بگیریم، اهمیت پرداختن به موضوع دستاوردهای انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی بیش‌تر می‌شود. یکی از اهداف راهبردی دشمنان در جنگ نرم علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، ایجاد یأس و ناامیدی در جامعه و به ویژه در نسل جوان نسبت به آینده از طریق سیاه‌نمایی، بزرگ کردن مشکلات، زیر سؤال بردن و یا کم ارزش جلوه دادن دستاوردهای انقلاب و ناکارآمد نشان دادن نظام دینی است.

دشمنان تلاش می‌کنند تا از طریق قدرت رسانه‌ای خود، جلوی درک واقعیات انقلاب اسلامی و دستاوردهای ارزشمند جمهوری اسلامی از سوی جوانان ایرانی را گرفته و با نوعی واقعیت‌پنداری برای آنان، در پشتوانه‌های مردمی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی خلل وارد سازند. در چنین شرایطی، اهمیت تبیین دستاوردهای جمهوری اسلامی به‌عنوان یک وظیفه آشکار می‌شود.

نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی نزدیک به ۴۰ سال گذشته را می‌توان به اختصار در چهار حوزه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و نظامی بررسی کرد.

۳- افزایش در تولید و فروش نفت، گاز، میعانات گازی،
تزیق گاز و حفاری

دستاوردهای نظامی امنیتی

- ۱- نوآوری های جمهوری اسلامی در زمینه ی مسائل دفاعی و امنیتی از جمله تاسیس سپاه پاسداران و بسیج
۲- پیشرفتهای جمهوری اسلامی در زمینه ی صنایع و تجهیزات نظامی:

* صنایع هوایی: ساخت ارا به ی فرود هواپیماهای جنگنده و آموزشی (سامانهای سخت که معدود کشورهایی توان تولید آن را دارند)

* صنایع دریایی: ساخت آزمایشگاه کانال آب خاورمیانه (جزء پنج آزمایشگاه برتر جهان)، ناوشکن جماران (از پیشرفته ترین ناوهای جنگی)

* صنایع الکترونیک و اپتیک

* پهپاد

* صنایع تسلیحاتی

* صنایع زرهی و خودروبی

* صنایع موشکی

دستاوردها در زمینه ی صنایع نوین

۱- بیوتکنولوژی

۲- شرکت های دانش بنیان

۳- لیزر

۴- صنعت هوا فضا

۵- نانو

۶- ربات

۷- صنعت هسته ای

در زمینه ی بهداشت و درمان

۱- کاهش مرگ و میر نوزادان

۲- تربیت نیروهای متخصص در حوزه پزشکی

۳- موفقیت در حوزه ی سلول های بنیادی

۴- تولید داروهائی با رتبه ی جهانی

۵- تولید ابزار پزشکی

۶- دست یابی به روش های جدید درمان و جراحی

۷- افزایش امید به زندگی

در مجموع می توان گفت دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران بی شمار است که اینجا تنها تعدادی از آن ها را بیان کردیم. درعین حال چالش های داخلی و خارجی انقلاب اسلامی نیز همواره آرمان ها و دستاوردهای انقلاب را با چالش روبه رو ساخته است.

هیچ کس منکر نقاط ضعف و مشکلات نیست، اما هیچ کشوری با این همه جنگ و تحریم و تهدید نرم و سخت، ظرف چهل سال به این استقلال و پیشرفت در ابعاد مختلف نرسیده است.

بحث دستاوردهای انقلاب اسلامی را با کلامی از امام خمینی (ره) به پایان می بریم: به ملت و عزیزان توصیه می کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آورده اید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری کنید و در راه آن که نعمتی عظیم و الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می آید نهراسید که:

ان تنصرالله ینصرکم و یثبّت اقدامکم.

نویسنده: سبا عبدالله بیگی



عقلتون رو قاضی کنید !

۱) باتوجه به جایگاه ویژه انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران، شرکت در انتخابات و میزان آن به منزله ی درجه ی محبوبیت و مقبولیت این نظام می باشد.

ناامیدی از انتخابات و روند انتخاباتی امری به شدت زیان آور است؛ چرا که انتخابات به منزله ی یک فرصت است و نباید این فرصت را از دست داد. بسیاری از افرادی که ادعا می کنند انتخابات بی نتیجه است، همان کسانی هستند که از طریق انتخابات به اهداف خود رسیده اند. وقتی کسی ادعا می کند که رای دادن بی نتیجه است باید به او گفت کشور بدون داشتن یک مدیر، توان اجرایی ندارد. در نظام جمهوری، این مدیر را با رای دادن انتخاب می کنند و اگر تو رای ندهی این مدیر انتخاب خواهد شد؛ اما با این تفاوت که نظر تو در آن نقشی نداشته است. با رای ندادن نه تنها خودمان کاری برای کشور نکرده ایم، بلکه زمینه ی دخالت بیگانگان در اداره ی کشور را نیز فراهم کرده ایم. ما با شرکت نکردن در انتخابات به جهان می گوییم که ما ایرانیان توانایی اداره ی کشور خودمان را نداریم و آنها همچون دایه ی مهربان تر از مادر، آستین ها را بالا زده و برای رفع مشکلات ما وارد میدان

می شوند و در این صورت سرنوشت مشابهی با کشور های همسایه خواهیم داشت. کشور هایی که آمریکا و امثال آن به بهانه های مختلف از جمله: جلوگیری از اقدامات تروریستی، پیشرفت صنعتی و ... وارد شان می شوند و آن جوامع را به پادگان های نظامی خود تبدیل کرده و از تمام ظرفیت های شان به نفع خود استفاده می کنند؛ اما به وعده های خود عمل نمی کنند. در عین حال، مشکلاتی از قبیل بیکاری، شرایط نامساعد اقتصادی، ترس و نا امنی و افزایش روزانه ی کشتار های تروریستی و ... نتیجه ی دست روی دست گذاشتن و بی نتیجه دانستن آراء خودمان است که در کنار امید به دلسوزی و خیر خواهی بیگانگان به وجود می آید.

انتخابات تنها یک مشارکت حداکثری افراد شرکت کننده نیست بلکه مشارکت حداکثری باورها و تفکر

آنها وجود ندارد.

با توجه به ظرفیت های محیطی و نیروی انسانی کار آمد، مشکلات کنونی جامعه ی ما بدون استثناء قابل حل بوده است و می توان به آینده امیدوار بود.

(۵) حساسیت های قبل انتخابات را در لحظه ی انتخابات هم داشته باشیم.

بحث انتخاب و ضرورت های آن به دو بخش قبل و بعد از انتخاب تقسیم می شوند.

در بحث انتخابات باید به این نکته ی مهم توجه شود که مسئولین هر گونه رفتار کنند چه در باطن و چه در ظاهر، افراد جامعه در همان جهت حرکت خواهند کرد.

مسئولیت ما قبل از انتخابات (انتخاب فرد اصلح) و بعد از انتخابات (مطالبه گری) به گونه ای است که بی شک در روند پیشرفت جامعه و حل مشکلات تاثیرگذار است. این نکته را فراموش نکنیم که تنها خود ما هستیم که می توانیم به کشور کمک کنیم.

خودمان برای خودمان؛ تنها در این صورت است که جهان برای همکاری با ما تلاش خواهد کرد، در غیر این صورت باید برای جلب نظر کشور های مختلف در تامین نیاز های خود، دست به کار هایی بزنیم که دیگر چیزی از هویت ما باقی نمی گذارد.

دنیا برای دست گذاشتن بر روی سرزمین های بی هویت، بی نهایت تشنه است...

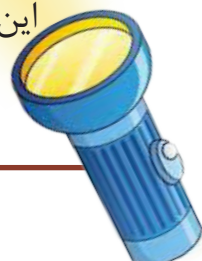
نویسنده: فضا سلامی

هاست. اینکه به چه کسی رای دهیم خود راه حلی برای بسیاری از مشکلات انتخاباتی می باشد. انتخابات در ذات خود مشکلی ندارد این افراد شرکت کننده در انتخابات هستند که به آن جهت و هویت می دهند.

(۲) بحث انتخابات، یک بحث در حد شورای شهر و یا نمایندگی مجلس نیست که تنها یک شهر و یا یک استان را در بر بگیرد؛ بلکه در آینده یک جامعه چه از جنبه ی درونی یک کشور و چه در حد بین المللی تاثیر گذار است. پس تاثیر حضور ما و جهت گیری ما در این مسیر چیزی فرا تر از تصمیم برای یک شهر و حتی یک استان است.

(۳) انتخاب رئیس جمهور و هیئت دولت به عنوان تیمی برای اجرایی کردن قوانین و سیاست های داخلی و خارجی یک بحث هویتی را برای ما رقم می زند. ما باید انتخابات را این گونه ببینیم که هیئت دولت نماینده ی جامعه ی ایرانی است با همان هویت ایرانی اسلامی و با همان هویت چندین هزار ساله. باید در مواجهه با کشور های مختلف، نماینده ای در حد تمدن خود داشته باشیم. باید کسانی را داشته باشیم که در مواجهه با برنامه های تحریمی و نظامی کشور های دیگر، قبل از دست بوسی خارجی ها از ظرفیت های موجود در داخل کشور دست گیری کنند.

(۴) برای هر مشکلی راه حلی وجود دارد و حتی گاهی چند راه حل. نکته ی قابل تامل اینجاست که شرایط کنونی کشور حاصل چندین تصمیم نادرست و اقدام هایی بی خردانه و از سر غفلت بوده است و این به این معنا نمی باشد که دیگر هیچ عملی برای ترمیم این مشکلات و حل کامل و اصلاح





-خب مگه تو نمی خوی رای بدی؟!

-من؟! شوخی ات گرفته؟ خودت الان داری میگی
زیر فشار اقتصادی زندگی می گذرونی اما بازم حرف
رای دادن می زنی؟



- درسته که وضع اقتصادی بده ولی این اوضاعیه که
این چندسال به وجود اومده، اونم تقصیر خودمونه
که ملاک هامون برای رای دادن درست نبود. خودت
علت رای که دادی وعده آزادشدن حضور بانوان در
ورزشگاه ها بود. خواهرت سیما هم به خاطر اینکه
فکر می کرد با این مدل رای دادنش قراره تعامل
با آمریکا داشته باشیم رای داد. حالا تو بگو اصلا
خودت یه بار هم ورزشگاه رفتی که این برات اولویت
داشت؟ یا اینکه با مذاکره با آمریکا ایران بهشت
برین شد؟

-معصومه جان! معصومه! کجا میری دختر
صبر کن منم بیام.

-سلام سارا جان. خوبی؟

-سلام. ممنون. کجا میری با این عجله؟

-باید خودم را به اتوبوس برسونم.

-عجله نکن اتوبوس رفت خودم سرچهار راه
دیدم که رد شد. باید با اتوبوس بعدی بری.
حالا کجا میری؟

-کاش زودتر راه افتاده بودم آخه باید برم
سرکار!

-سرکار؟! جدی میگی؟ تو که خانواده ات
مخالف کار کردنت بودند، چی شد حالا سرکار
میری؟

-خیلی وقته وضع و اوضاع خونه بهم ریخته
است. هزینه اجاره خونه، بیماری وحید و سایر
هزینه ها مثل مواد غذایی اینقدر زیاد شده که
بابا نمی تونه همه را بپردازه. مجبورم برم سرکار.

- آره اوضاع اقتصادی خیلی بده، امسال هم
که انتخاباته، لابد انتظار هم دارند که بریم رای
بدیم.

-چی بگم؟ آره من به همین وعده ها رای دادم.
-عزیزم اصلا وعده های انتخاباتی اولویت چندم
زندگی ما بود؟

- حالا این انتخاب را میگی اشتباه بود، تو فکر می
کنی کس دیگه ای انتخاب می شد وضع خوب می
شد؟

-اشتباه تو همینه دیگه. وقت تعیین سرنوشت یه
کشور که میشه اولویت ها را رسانه های غربی جابه
جا میکنن، برحسب همون هم میرین انتخاب می
کنین، بعد که همه چیز خراب میشه برای فرار از
نقشی که خودتون ایفا کرده بودید میگی که همه
بدند ، همه خراب اند.

-خب اگه خوبی هم وجود داره کو؟ کجاست؟



تو این زمینه داشتیم که باید هنگام انقلاب خیلی کشور از نظر دفاعی خوب بوده باشه و اصلا صدام دوسال بعد از انقلاب جرات حمله به ایران را نمی کرد. شهید تهرانی مقدم که حدودا ده سال پیش به شهادت رسید از جمله افرادی بود که صنعت دفاعی را به حد اعلا رساندند. اصلا شروع به ساخت موشک توسط بیست ساله های زمان جنگ بود همون بیست ساله هایی که جلوی تجزیه کشور را گرفتن.

-خب آره میگم که این زمینه را خوبیم ولی بقیه را که نه.

-خب تو گوش کن! به نظرت این همه رشد سواد به خصوص در بانوان، وارد شدن به لیست کشورهای صاحب علوم بیوتکنولوژی، نانو، هسته ای، فضایی اینها رشد نیست؟

حالا به نظر تو افرادی که این پیشرفت ها را باعث شدند چشم امید به کجا داشتن؟

-خب آخه الان تو فقط شهید تهرانی مقدم را مثال زدی.

-بله همین شهید تهرانی مقدم، به نظرت این آدم چشمش و قبله آمالش کاخ سفید بود؟ نه فک نکنم.

-مسلمانا نه. چون اگر چشمش به کمک خارج

-چشمات را که می بندی نمی بینی، حداقل گوش کن تا بگم.

بین عزیز من به نظرت الان چه پیشرفت هایی داریم؟

-پیشرفت؟! اصلا مگه داریم؟

-سارا تو که از وقتی من یادمه از بیست و چهار ساعت، بیست و پنج ساعتش را توی فضای مجازی می گذروندی؛ یعنی هیچی نشنیدی؟

-خب چرا. مثلا از نظر قوای دفاعی پیشتازیم؛ ولی اینکه مهم نیست مهم اقتصاده.

-اوضاع و احوال کشورهایی مثل افغانستان را ببین، ندیدی به خاطر نداشتن همین قوای دفاعی چند نفر از بچه هاشون را کشتن، پس نگو قوای دفاعی مهم نیست. همون قوای دفاعی که میگی اصلا از چه بازه زمانی شروع به رشد کرده؟

-فک کنم از زمان پهلوی.

-شوخی می کنی؟! زمان پهلوی صفر تا صد قوای نظامی را مستشارانی که آمریکا فرستاده بود کنترل می کردند. همه ابزار دفاعی را هم از آمریکا می خریدند.

-یعنی می خوای بگی رشد و خودکفایی مون در این زمینه برای بعد انقلابه؟!

-معلومه ما اگه قبل انقلاب رشد و خودکفایی

به سوی ایران

به سوی کاخ سفید



بود که اونا ابدًا اجازه ی پیشرفت در حوزه دفاعی را نمی دادند بهمون، چون همین الآن از مخالفین رشد دفاعی ما هستند.

- خب منظورت چیه از این حرفا؟

-منظورم اینه کسانی که چشمشان به غرب نبود یا به قول معروف لیبرال نبودند اینها باعث عظمت ایران تو عرصه های مختلف شده اند. حالا برعکس این زمینه را ببین! لیبرال ها، آدم هایی که انگار قلبشون پیوندیه به خارج کشور؛ نگاهشون، همه چیزشون. حالا همین افراد را تو بگو چه پیشرفتی برامون رقم زدند؟ هر جای تاریخ معاصر را نگاه کنیم این لیبرال ها بودند که زمینه های جداشدن بخش هایی از کشور یا اعمال قراردادهای بی فایده برای کشور را برعهده داشتند و مذاکرات بی فایده تر.

- ببین به نظر من حرفات درسته ولی بحث اقتصاد گره ی کوری است که از طریق تعامل با دنیا باز میشه. باید هم حرف مذاکره باشه این وسط.

-اگه با مذاکره این گره باز می شد چرا بعد از گذشت سال ها از مذاکرات اوضاع بهتر نشد؟ اصلا این همه مذاکره شد کدوم طرف اجرا کرد جز ایران؟ کدوم تحریم برداشته شد؟ تعامل با دنیا فقط تعامل با آمریکا است که لیبرال ها دم می زنند؟ دنیا فقط آمریکاست؟ این همه کشورها تو دنیا که ما می تونیم بازارشون را برای صادرات خودمون در اختیار بگیریم. مستند ثریا را برو ببین که چقد از بازار آفریقا

پتانسیل حضور ایران را داره ولی استفاده نمیشه. همین مشکل اقتصاد اگه ریشه ای حل بشه دیگه اینقد آسیب نمی بینه.

- خب چطوری ریشه ای حل بشه؟

- خوبه این همه سال گذشته از بیان عنوان اقتصاد مقاومتی، هنوز میگی چطوری؟!

-خب چرا اگه راه حل اساسی اقتصاد مقاومتی است اجرای کامل نمیشه؟

-چون چرخ اقتصاد را همون لیبرال ها که گفتم می چرخونن نه امثال تهرانی مقدم.

هرجا سیل میاد، زلزله میاد یا سایر بلایا به نظرت مردم اونجا رها می شن؟

-نه تو تلویزیون دیدم کلی گروه برا کمک می روند.

-خب این گروه ها به نظرت همون سلبریتی ها، لیبرال ها و سایر حامیانشون اند یا گروه های انقلابی و جهادی؟

-بچه های جهادی اند.

-آفرین! پس ببین هرجا تفکر انقلابی بوده کار زمین نمونه .پس نگو رای دادن فایده نداره یا هرکسی بیاد همینه. تفکر مهمه عزیز.

-ولی به نظر من رئیس جمهور هیچ کاره است. چه به قول تو انقلابی باشه چه لیبرال اصلا دستش برا



کار کردن باز نیست پس چه فایده رای بدهیم؟
-سارا! تو خودت جزو قشر دانشجویی چرا به
جای تحقیق کردن این حرف را میزنی؟
-خب حقیقت همینه.

-این چه حقیقتیه که براساس قانون نیست؟
قانون اساسی را برو ببین یا سایر بخش هایی
که مدیریت شان به رئیس جمهور داده شده،
تا ببینی رئیس جمهور چقدر
دستش برا کار کردن بازه.

- خب تو که ادعا می کنی قانون
اختیارات زیادی داده به رئیس
جمهور نام ببر ببینم.

- مثلاً همین وضع بد اقتصادی
را کی باید اصلاح کنه؟ اصلاً
مسئولیت اقتصاد بر عهده کیه؟
وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و
شوراهای عالی که در این زمینه
وجود داره، وزارت خونه های مرتبط با کار و
اشتغال و صادرات و واردات اینا همه زیرمجموعه
دولت اند. حتی بودجه بندی کشور برعهده
دولته. این ها را ریاست جمهوری مدیریت می
کنه. تازه این ها فقط یه بخش از اختیارات بود
که گفتم؛ بازم این دولته که آموزش، بهداشت،
سیاست و بخش های دیگه ای از کشور را باید
پوشش بده. بازم تو بگو ریاست جمهوری که
کاری نمیکنه.

-چی بگم منم خودم اینو از بابام شنیدم.

-حرف را از هرکس می شنوی خودت با یه
جستجو توی سایت های معتبر هم می تونی
راست و غلط بودنش را تشخیص بدی.

-آره درسته. مثل اینکه اطلاعاتم جلوی تو ته
کشیدن.

-علتش اینه که اطلاعاتت را فقط از فضای
مجازی می گیری نه چهارتا کتاب و منابع
معتبر.

-معصومه جان اتوبوس اومد برو جا نمونی.

- آره برم جا نمونم.

-معصومه!

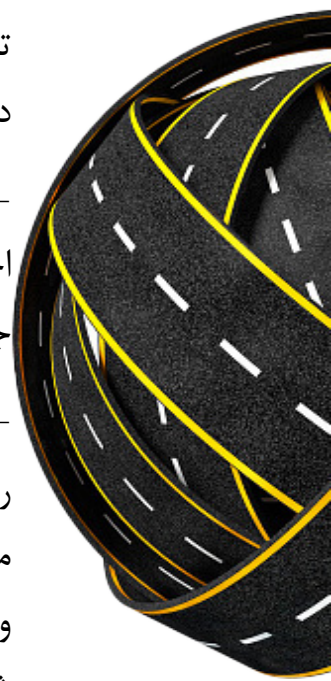
-بله عزیزجان

-ممنون از حرفات. اینطوری نگاه نکرده بودم.

-خواهش می کنم. خدانگهدارت. ۲۸م پای
صندوق رای می بینمت.

-باشه ان شاءالله. خداحافظ

نویسنده: زهرا رامک





همان گونه که رهبرچنین است رئیس جمهور نیز در کل باید افراد را به سوی حق هدایت کند و هادی مردم باشد (آیه ۳۵ سوره یونس).

احکام وقوانین الهی را به اجرا درآورد.

طبق خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه :

سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و احکام مسلمین ولایت یابد تا در اموال آن ها حریص گردد و نادان نیز لیاقت ندارد زیرا با نادانی مسلمانان را به گمراهی می کشاند. اما جدا از اصل فوق و ذکر چنین موارد کلی و اصولی، لازم است به اصول دیگر قانون اساسی نیز توجه نمود. آن اصولی که ویژگی های رئیس جمهوری کشور جمهوری اسلامی ایران را بیان می دارد:

یکی از ویژگی ها این است که وی از میان رجال مذهبی و سیاسی باشد (اصل ۱۱۵). توجه به این مطلب مهم است که صرف درخواست افراد عادی برای نامزد شدن کافی نیست هر چند که ممکن است دارای برخی ویژگی های خوبی باشند.

رئیس جمهور باید با دین اسلام، جهان بینی، اصول و احکام آن آشنا باشد. هرچند که لازم نیست به معنای خاص یک فقیه باشد اما باید به اندازه کفایت اسلام شناس باشد و به اسلام اعتقاد داشته و به آن عمل کند.

او باید فردی سیاسی باشد؛ یعنی * در مسائل سیاسی ورود داشته و * در میدان های سیاسی مشارکت داشته باشد. از سویی کافی نیست * که فردی سیاسی باشد اما مسلمان مومن نباشد و از سویی دیگر یک * مسلمان و حتی عالم اسلامی که در مسائل سیاسی شرکت ندارد و به



نامزد شایسته کیست؟



حتماً در این روزها که بحث انتخابات ریاست جمهوری به شدت داغ است و تمام رسانه ها قسمتی از برنامه های خود را به بحث ریاست جمهوری اختصاص داده اند شاید از خود پرسیده باشید که نامزد اصلح کیست؟ یا نامزد اصلح چه ویژگی هایی دارد؟ در این نوشته قرار است که به ویژگی های نامزد اصلح بپردازیم.

بنا بر اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور پس از رهبری است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود برعهده دارد.

رئیس جمهور نیز باید * کمابیش همان ویژگی هایی را که آیات قرآن * واحادیث در مورد رهبری * ذکر می کند و مبنای اصول قانون اساسی شده است داشته باشد.

با توجه به آیات واحادیث





منطقی، همه جانبه و حکیمانه فکر و تدبیر و برنامه ریزی کردن است. ممکن است یک شخص مدیریت خوب داشته باشد ولی خیلی مدبر نباشد. در واقع این دو همدیگر را تکمیل و تقویت می کنند. همچنین ممکن است شخص کارها را خوب تدبیر، تجزیه و تحلیل و برنامه ریزی کند ولی خودش در عمل نتواند یک مجموعه را به خوبی اداره کند.

مدیریت یک ویژگی های عملی و اجرایی خاص را می طلبد. به عبارتی دیگر می توان اینگونه بیان کرد که مدیریت بیشتر جنبه عملی و اجرایی دارد در حالی که مدبر بودن بیشتر جنبه فکری، برنامه ریزی و... را داراست. یک مدیر با ویژگی های خاص عملی و اجرایی اگر مدبر هم باشد می تواند به خوبی انجام وظیفه نماید. لذا باید هر دو در کنار هم باشند تا کارها به خوبی سرو سامان گیرد.

آن شالاه که با کمک خداوند متعال همه ی ما دست به انتخاب صحیحی بزنیم و نتایج خوب انتخاب صحیح مان را نظاره گر باشیم.

نویسنده: مهرانگیز جعفری پور

عبارتی دین را از سیاست جدا می پندارد، مناسب نیست. او باید ایرانی الاصل بوده و تابعیت ایرانی داشته باشد.

رئیس جمهور باید شخص مدیر و مدبری باشد. قدرت مدیریت اجرایی مملکت را با توجه به همه جوانب دارا باشد. شخصی با تدبیر و باکیاست باشد.

سابقه وی همراه با خوبی ها و فداکاری ها بوده و در زندگی فردی و اجتماعی اخلاق نیکی داشته باشد.

شخصی امانت دار باشد؛ زیرا اموال، آبرو، شرافت و اسرار مردم در اختیار اوست. باید امین باشد و در این امانت ها خیانت نورزد.

از هر جهت باتقوا باشد.

به خاطر منافع شخصی، خانوادگی، گروهی و حزبی، حقوق دیگران را نادیده نگیرد.

به مبانی جمهوری اسلامی ایران معتقد بوده و دارای مذهب رسمی کشوری یعنی شیعه اثنی عشری باشد.

ویژگی های عام برای نامزدهای انتخابات : کارآمدی علمی، سلامت جسمی و شایستگی متناسب با مسئولیت های مربوط، متعهد به اسلام، انقلاب و نظام اسلامی و قانون اساسی، به ویژه التزام به ولایت فقیه و سلامت اخلاقی و اقتصادی.

گفتیم رئیس جمهور باید مدیر و مدبر باشد؛ می توان گفت که بررسی سوابق اجرایی افراد، شاخص خوبی برای تشخیص تدبیر و تدبیر و سنجش مدیریت آنهاست. با این حال موفقیت در سمت های غیر از ریاست جمهوری لزوماً به معنای موفقیت در سمت ریاست جمهوری نیست. باید بین مدیر بودن و مدبر بودن تفکیک قائل شد و آنها را یکسان تلقی نکرد.

مدیر بودن بیشتر به روش اداره درست مجموعه و گروه ارتباط دارد؛ اما مدبر بودن بیشتر تکیه بر درست،



حزب اللهی



دولت جوان و حزب اللهی

جوان

جوانی به چه معناست ؟

جوانی یعنی پویایی و سرزندگی؛ یعنی همه جا پای کار بودن، در صحنه حضور داشتن و به آینده امیدوار بودن....

چرا؟

و معانی دیگری که ممکن است به ذهن شما هم خطور کند. حتی شاید شنیده اید که می گویند جوانی به دل است و به سن و سال نیست. خیلی از انسان ها هستند که شاید سنی از آنها گذشته باشد ولی هنوز فعال و پرامید و بانگیزه و پرازذوق اند و با انرژی زیاد کارهایشان را انجام می دهند و دنبال می کنند ؛ حتی برعکس آن هم هستند افرادی که تا کمی سنشان بالا می رود ناامیدی و سستی همراهشان می شود و مانند قبل انگیزه ندارند و فعال نیستند آن وقت است که جوانی دل و شادابی شان را از دست می دهند .

پس جوانی به سن نیست.

تا کنون چندین بار با این کلمه مواجه شده اید و شنیده اید؟ شاید در فکرتان این باشد که حزب اللهی یعنی انسانی که تسبیح در دستش می چرخاند به کرات، لباس یقه بسته به تن می کند همیشه ، و انسانی عبوس و جدی است.

اما این تصویر واقعی انسان حزب اللهی نیست؛ می گویند چرا؟ پس خوب گوش کنید!

در این دنیا همه چیز جهت دارد؛ در واقع ما نمی توانیم بدون اینکه جهت داشته باشیم کار کنیم...

به دلیل اینکه ساختار وجودی انسان جهت دارد و نمی تواند از دایره ی جهات و ابعاد خارج شود. اکنون که می دانیم انسان دارای بعد و جهت است متوجه می شویم که جمله «من بی طرفم» چقدر بی ربط و نامفهوم است. با این حال شما مجاز به انتخاب و حرکت در یک جهت هستید . همیشه دو راه وجود دارد و دو گروه مقابل هم. قرآن کریم دو حزب را معرفی میکند: حزب الله و حزب الشیطان (آیه ۱۹ و ۲۲ سوره مجادله). پس این جهت گیری باید قرار گرفتن در یکی از این دو گروه باشد.

حالا از دید قرآن انسان حزب اللهی چگونه فردیست؟
اولا که مومن و معتقد به خدای یگانه است، ثانیاً ملاک

حب و بغض او نسبت به انسان ها خداست.

بنابراین حزب الهی بودن یعنی:

یک الگوی اخلاقی و رفتاری، یک انسان ارزشی، یک مسلمان و مومن واقعی که به تبعیت و حمایت از حق می پردازد و دنباله رو حق و حقیقت است. حالا در نظام جمهوری اسلامی به چه کسانی حزب الهی می گویند؟ به کسانی که ملاک حب و بغضشان ولایت فقیه است نه لیبرالیسم و نظام های شرقی و غربی. از جمله به خصوصیات این قشر از انسان ها می توان به : اطاعت از رهبری، حضور در هر صحنه ای که نیاز به خدمت دارد، روحیه ایثار و فداکاری، روحیه عدالت خواهی و مطالبه گری، ظلم ستیزی، اندیشه مندی و تعقل، نرم خویی و سعه صدر داشتن اشاره کرد. مثال بارز این خصوصیات شهید چمران است. هر جا که باید خدمتی می کرد حاضر بود؛ چه در لبنان و چه در ایران. با این حال به موجی از تخریب که از سمت دشمنان و ضد انقلاب ها بر روی این شخصیت فوق العاده بود نگاه کنید!!!

همیشه انسان هایی که خط و جهت صحیح را دنبال می کنند از افراد مغرض سنگ می خورند و مورد هجمه و آزار و دشمنی قرار می گیرند تا جایی که آن ها به دنبال حذف این گونه افرادند.

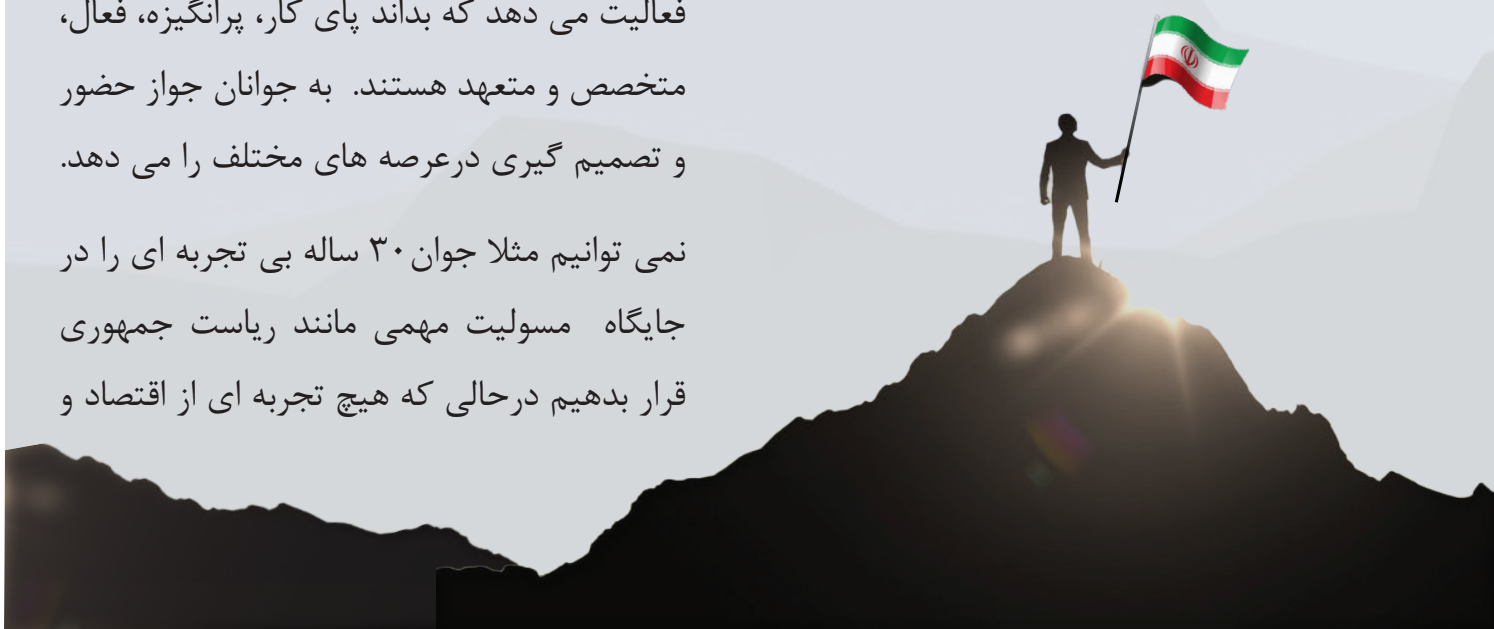
پس حزب الهی بودن یعنی حرکت در خط رسیدن به خدا.

علاج مشکلات کشور

علاج مشکلات کشور دولت جوان و حزب الهی است که می تواند کشور را از راه های دشوار عبور بدهد.

دولت جوان حزب الهی

دولتی که برای حل مشکلات پر امید و انگیزه است؛ همیشه در صحنه حاضر و آماده است. دولتی که وزرا و کابینه ی خود را از افراد پیر و خسته ای که حتی توان انجام فعالیت های حوزه ی خود را ندارند و چندین سال است از صندلی ریاست جدا نمی شوند انتخاب نمی کند و به افرادی اجازه فعالیت می دهد که بداند پای کار، پرانگیزه، فعال، متخصص و متعهد هستند. به جوانان جواز حضور و تصمیم گیری در عرصه های مختلف را می دهد. نمی توانیم مثلاً جوان ۳۰ ساله بی تجربه ای را در جایگاه مسولیت مهمی مانند ریاست جمهوری قرار بدهیم در حالی که هیچ تجربه ای از اقتصاد و





دوست عزیز و بزرگوار اکنون نوبت شماست

شما جوان هایی که باید همیشه در صحنه حاضر باشید! شما هستید که در انتخابات پیش رو حق تصمیم گیری، رای دادن و انتخاب دارید. و شما هستید که با این انتخاب آینده خود و ملت را رقم می زنید. دولتی جوان و حزب الهی انتخاب کنید که حلال مشکلات

کشور باشد نه افزوننده مشکلات!

نویسنده: زینب کریمی

سیاست و مدیریت کلان و... ندارد. می توانیم کسی را انتخاب کنیم که از میدان دادن به جوان ها نمی ترسد و راه را برای آن ها باز می کند و به آن ها اعتماد می کند.

رهبر انقلاب در سخنرانی خود می فرمایند:

«من البتّه -همچنان که قبلاً هم در سال گذشته تأکید کردم و مکرّر هم گفته‌ام- به دولت جوان و حزب‌اللهی معتقدم و به آن امیدوارم و البتّه دولت جوان صرفاً به معنای این نیست که باید یک رئیس دولت جوان، آن هم مثلاً جوان به معنای ۳۲ ساله داشته باشد؛ نه، دولت جوان، [یعنی] یک دولت سرپا و بانشاط و آماده‌ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و از کارافتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوانند؛ حالا همین شهید عزیزی که شما از او اسم بردید -شهید سلیمانی، و بنده شب و روز به یاد او هستم- شصت و چند سال سنش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر ده سال دیگر هم زنده میماند و بنده زنده میماندم و بنا بود که من مشخص بکنم، او را در همین جا نگه میداشتم، یعنی کنار نمیگذاشتم او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه‌ی خوبی را میتوانند انجام بدهند. به هر حال به نظر من علاج مشکلات کشور، دولت جوان حزب‌اللهی و جوان مؤمن است که میتواند کشور را از راه‌های دشوار عبور بدهد.»

علاج مشکلات کشور است
دولت جوان حزب اللهی